

تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر منازعه فلسطین – اسرائیل و معامله قرن

امیر ساجدی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۰

۲۰۵

سیاست جهانی

DOI:10.22124/wp.2020.17195.2572

پیاپی ۳۰۵-۳۰۳ (صفحات: ۳۰۳-۳۰۵) . پاییز ۱۳۹۹ . شماره ۴، فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره ۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹

چکیده

منازعه به معنی تقابل دو یا چند نگاه متفاوت بوده که هریک از نگاه‌ها اهداف، عملکردها، طرز تفکر و ارزش‌های متفاوت را دربر می‌گیرد. تجزیه و تحلیل هر منازعه نیاز به آگاهی از ویژگی‌های خاص آن منازعه دارد. از سوی دولت ترامپ طرح صلحی موسوم به معامله قرن برای یک صلح پایدار بین فلسطین و اسرائیل اعلام گردید. پرسش مطرح در پژوهش این است که آیا با نادیده گرفتن مسائل سرزمینی، قومی-مذهبی و تعارضات ایدئولوژیکی موجود در طرح معامله قرن می‌توان یک صلح پایدار بین فلسطین و اسرائیل ایجاد کرد؟ این مقاله بر این فرضیه استوار است که طرح معامله قرن بر اساس واقعیت‌های قومی-سرزمینی برنامه‌ریزی نشده و نمی‌تواند تبدیل به یک صلح پایدار در ناحیه خاورمیانه گردد. در تبیین این مقاله از رویکرد سازه‌نگاری الکساندر ونت استفاده شده تا نقش پیوندهای عمیق فرهنگی-تاریخی فلسطینیان با سرزمین فلسطین در معادلات صلح بهتر درک شود. هدف این مقاله بررسی طرح صلح معامله قرن می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که طرح معامله قرن فرجامی جز شکست ندارد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و شیوه‌ی گردآوری داده‌ها نیز اسنادی-کتابخانه‌ای است و از داده‌های عینی-تاریخی برای بررسی ابعاد و زوایای معامله قرن بهره یافته است.

واژگان کلیدی: منازعه، فلسطین، اسرائیل، آمریکا، معامله قرن.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: amir_sajedi2001@yahoo.com

اصطلاح منازعه به وضعیتی اشاره دارد که در آن گروه انسانی معین با گروه انسانی معین دیگری به دلیل ناسازگاری در اهدافشان دارای تعارضی آگاهانه باشند. در طول تاریخ، بین اقوام مختلف درگیری‌ها و مناعات بسیاری رخ داده که عوامل و دلایل متعددی در هریک از این درگیری‌ها دخیل بوده است. از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در منازعات می‌توان به اختلافات سرزمینی، قومی - مذهبی اشاره کرد. وجدان قومی که هویت خود را در هم نژادی، هم زبانی، هم دینی، خاطرات مشترک فرهنگی و تاریخی جستجو می‌کند در پی انسجام قومی و نیروی است که با تشکیل یک دولت مستقل بتواند ارزش‌های خود را در آن محفوظ بدارد. هر منازعه‌ای ساختار منحصر بفرد خود و شرایط و بستر خاصی را دارا می‌باشد. شدت و حدت درگیری‌ها بستگی به اهمیت استراتژیکی و مسائل ژئوپلیتیکی منطقه داشته و دارد. منازعه تنها دارای یک بُعد رفتاری خشونت آمیز نبوده و می‌تواند در ابعاد سیاسی، اقتصادی، روانی و اجتماعی نیز ظاهر گردد. بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی اظهار می‌دارند که محور کامل منازعات از جوامع بشری مطلوب نمی‌باشد چراکه پاره‌ای از اشکال منازعه برای تغییر و دگرگونی و پیشرفت اجتماعی بشر ضروری است. قومیت و ملی‌گرایی قومی منشاء رخدادها و چالش‌های داخلی و بین‌المللی پرشماری بوده‌اند که ضمن برهم زدن ثبات سیاسی و یکپارچگی سرزمینی دولت‌ها، به ایجاد و تشدید بحران‌های بین‌المللی مانند جنگ جهانی اول انجامید. از آنجایی که برخی از منازعات باعث مشکلات بزرگ شده و صلح جهانی را بخطر می‌اندازند، بسیاری از افراد از طرق مختلف سعی و تلاش می‌کنند تا راه حل‌های متعددی برای پایان بخشیدن به این نوع منازعات جهت دستیابی به صلح ارائه نمایند که از بین آنها دیپلماسی مهمترین راه حل شناخته شده است. اما متأسفانه تا به امروز این ابزار مهم نتوانسته پایانی بر همه منازعات در خاورمیانه باشد. از پدیده‌های پایدار در میان جوامع خاورمیانه بروز و تداوم منازعات است که با طولانی شدن دوران تکامل هر یک از این اختلافات، شکل اولیه آنها تغییر یافته و با گذشت زمان و تغییر در ساختارها، اختلافات پیچیده‌تر شده که در نتیجه پایان دادن به منازعات و درگیری‌ها برای رسیدن

به صلح را سخت می‌نماید. یکی از طولانی‌ترین منازعات خاورمیانه نزاع فلسطین و اسرائیل می‌باشد که با گذشت بیش از هفتاد سال هنوز پایان نیافته است.

جدیدترین طرح صلح فلسطین و اسرائیل توسط جارد کوشنر، مشاور سیاسی و داماد دونالد ترامپ در نشست اقتصادی بحرین، در منامه ارائه گردید. نشست اقتصادی بحرین، به منظور بررسی بخش اقتصادی طرح صلح آمریکایی موسوم به «معامله قرن»، تحت عنوان «صلح و شکوفایی اقتصادی در منطقه» به مدت دو روز در منامه برگزار شد. کوشنر به نمایندگی از طرف دولت ترامپ، پس از ماه‌ها تبلیغات در مورد طرح مذکور، سرانجام جزئیات بخش اقتصادی طرح معامله قرن را افشاء کرد. او با تأکید بر طرح معامله قرن خواستار استفاده از این فرصت استثنایی شد و خطاب به نمایندگان کشورهای حاضر در منامه اظهار داشت که ایالات متحده آمریکا خواهان برقراری صلح و ثبات میان اسرائیل و فلسطین و آزادی مذهبی در قدس برای همگان است. او همچنین اظهار داشت که پذیرش بخش اقتصادی طرح صلح، پیش‌زمینه‌ای برای هرگونه توافق صلح است. به‌علاوه او ادعا نمود که با سرمایه‌گذاری ۵۰ میلیارد دلاری برای فلسطین و کشورهای عرب منطقه، سرمایه‌گذاری‌های هنگفت بین‌المللی به این منطقه جذب خواهد شد و این باعث رونق اقتصادی فلسطین و بهبود شرایط اقتصادی فلسطینیان و رفاه بیشتر آنها خواهد گردید. پرسشی که در این تحقیق مطرح می‌گردد این است که چگونه می‌توان بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های سرزمینی، قومی - مذهبی و تعارضات ایدئولوژیکی، انتظار یک صلح پایدار را داشت؟ فرضیه این تحقیق بر این اساس است که با نادیده گرفتن واقعیت‌های تاریخی، قومی و هویتی ملت فلسطین طرح معامله قرن مانند دیگر طرح‌های ارائه شده محکوم به شکست می‌باشد.

هدف این مقاله تبیین وجود پیوندهای عمیق فرهنگی-تاریخی فلسطینیان با سرزمین فلسطین و کمک به درک این مسئله است که چرا این‌گونه طرح‌های صلح به سرانجام نمی‌رسند. از این رو مقاله تلاش دارد تا مسائل هویتی، ملت فلسطین را به‌عنوان متغیر مستقل و طولانی شدن منازعه بین طرفین را به‌عنوان متغیر وابسته نشان دهد. روش تحقیق در این مقاله استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با اتکا به تحقیقات پیشین و مبتنی بر توصیف و تحلیل مسائل قومی - مذهبی سرزمینی فلسطین است.

۱. رهیافت نظری

منازعه پدیده‌ای جهان‌شمول بوده که همواره در درون و میان جوامع بشری رخ می‌دهد. از این روی بسیاری از جامعه‌شناسان مانند کارل مارکس^۱، گئورگ زیمل^۲، رالف دارندورف^۳، جان برجس^۴، ویلیام گراهام سامنر^۵، جسی برنارد^۶، لوئیس کوزر^۷ و چارلز کولی^۸، منازعه را کارکردی دانسته و آنرا امری مثبت و وسیله مفیدی برای حل اختلافات در داخل و میان کشورها بر شمرده و اعتقاد دارند که منازعه در خدمت مقاصد مثبت اجتماعی بوده و نه تنها سبب یکپارچگی گروه می‌شود بلکه به ایجاد هویت گروهی کمک و بر انسجام گروه می‌افزاید (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲: ۴۸۰-۴۷۹). لوئیس کوزر منازعه را مبارزه‌ای بر سر ارزش‌ها و مطالبه منزلت، قدرت و منابع کمیاب دانسته که در آن هدف هریک از طرفین خستی کردن، صدمه زدن و یا نابود ساختن رقیب می‌باشد (Coser, 1956: 3). منازعه در دو دسته خُرد و کلان مورد مطالعه قرار می‌گیرند. روانشناسان، زیست‌شناسان و نظریه‌پردازان تصمیم‌گیری که در دسته اول (خُرد) قرار دارند همگی اظهار می‌دارند که ریشه‌های منازعه را می‌باید در طبیعت انسان جستجو کرد. از آنجائیکه اندیشمندان در این گروه معتقدند که ریشه‌ی منازعه در طبیعت و رفتار انسانی می‌باشد، پس خشونت یکی از اشکال طبیعی رفتار سیاسی است. دسته دوم (کلان) ریشه‌های منازعه را در نهادهای اجتماعی می‌دانند. در این گروه جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، جغرافیدانان، دانشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و نظریه‌پردازان سیستم‌ها قرار دارند که ریشه‌های منازعه را در سطح گروه‌ها، اجتماعات، نهادهای اجتماعی، طبقات اجتماعی، جنبش‌های سیاسی، واحدهای مذهبی-قومی، دولت‌های ملی، ائتلاف و اتحاد مورد بررسی قرار می‌دهند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۴۰-۳۹). با گذشت زمان دانشمندان علوم اجتماعی به این یقین و باور رسیدند که ایجاد یک نظریه منازعه رضایت‌بخش بایستی متشکل از تلفیقی از هر دو جوانب خُرد و کلان در قالب

1. Karl Marx
2. Georg Simmel
3. Ralf Dahrendorf
4. John W. Burgess
5. William Graham Sumner
6. Jesse Bernard
7. Louise A. Coser
8. Charles H. Cooley

یک مجموعه منسجم باشد. بدین سبب در اواخر قرن بیستم سعی گردید تا پلی بر روی شکاف این دو گروه زده شود. تا با اتصال این دو بتوان یک نظریه‌ای منسجم و کاملی را ارائه داد (Haas, 1974: 4). اندیشمندان برجسته سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل مانند الکساندر ونت، استفان وارینگ، جان بارنت، نیکلاس اونف، جان راگی و آنتونی کلارک معتقدند که سازه‌انگاری رویکردی است که محیط جهانی را تنها به عوامل مادی محدود نمی‌کند و فاکتورها و عوامل دیگر را نیز دربر می‌گیرد. ونت اظهار می‌دارد که ساختارهای هنجاری و فکری به اندازه ساختارهای مادی دارای اهمیت می‌باشد و هویت‌ها و هنجارها در شکل‌گیری منافع و کنش‌ها نقش تعیین‌کننده دارند. نقش هویت، فرهنگ، هنجارها، قواعد، زبان و گفتمان در رویکرد سازه‌انگاری از اهمیت زیادی برخوردار است. در واقع هویت امری محوری در سازه‌انگاری است و آن را امری برساخته در فرایند مشارکت در معانی جمعی و اجتماعی می‌دانند. در چارچوب این هویت است که یک بازیگر عرصه بین‌المللی تصورات خود را از دیگران به اهداف خود مشخص می‌کند و به کنش می‌پردازد و در رابطه با دیگران ساختار را تشکیل می‌دهد. از دید پساساختارگرایان سوژه‌ها برساخته‌هایی هستند که رویه‌های گفتمانی به آنها شکل می‌دهند. پس این رویه‌های گفتمانی هستند که واحدهای بنیادین واقعیت و تحلیل، یعنی واحدهای پایه هستی‌شناختی را شکل می‌دهند. از آنجایی که کنشگران سرشتی اجتماعی دارند پس تعاملات، رویه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها، فرهنگ، ایدئولوژی، باورهای اصولی و ایده‌های بنیادی هستند که به هویت آنها قوام می‌بخشند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۱۶). بر این اساس شرایط تاریخی-اجتماعی، تعامل زبان، معنا و قدرت اجتماعی از اهمیت خاصی در این رهیافت برخوردار است. سازه‌انگاری به این مهم می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌تواند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابد و روابط بین دولت‌ها بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند (هادیان، ۱۳۸۳: ۱۵۹). در این پژوهش سعی می‌گردد

1. Alexander Wendt
2. Stephen Waring
3. Jon Barnett
4. Nicholas Onuf
5. John Reggie
6. Anthony Clark

تا با استفاده از رویکرد سازه‌انگاری الکساندر ونت زمینه‌ی بررسی منازعه قومی-مذهبی، تعارضات ایدئولوژیک و توسعه‌طلبی ارضی فراهم گردد تا بتوان عمق و پیچیدگی اختلافات موجود بین فلسطین و اسرائیل را دقیق‌تر مورد بررسی قرار داد.

۲. ادبیات پژوهش

طرح معامله قرن موضوع کاملاً جدیدی است، تعداد مقالات و کتب علمی چاپ شده در این مورد بسیار اندک و بنابراین امکان بررسی پیشینه تحقیق کاملاً مرتبط با این موضوع بسیار اندک است. البته تحقیقات متعددی در خصوص طرح‌های صلح بین اعراب و اسرائیل از زمان تشکیل یک رژیم صهیونیستی در سرزمین فلسطین صورت پذیرفته که در اکثر این طرح‌ها تمامی کشورهای عرب درگیر با اسرائیل را دربر گرفته است. اما طرح معامله قرن تنها به صلح فلسطین با اسرائیل و با تکیه بر منابع مالی تأکید دارد و دیگر مسائل چون بلندی‌های جولان و غیره را دربر نمی‌گیرد. بدین سبب که این طرح یک موضوع جدیدی است و پیشینه تحقیق اندکی تا به امروز در این مورد ارائه شده، است. سعی خواهد شد تا چند پیشینه تحقیق نزدیک به این طرح مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲. علی قاسمیان (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان ترامپ، معامله قرن و چالش‌های فراروی جهان اسلام به بررسی و چرایی طرح معامله قرن پرداخته و آن را دسیسه‌ای از طرف ایالات متحده امریکا و اسرائیل با همکاری برخی از دولت‌های عربی چون عربستان و مصر دانسته است. نویسنده معتقد است که هدف از طرح معامله قرن ارائه شده از سوی ترامپ تضعیف گروه‌های مقاومت در نوار غزه و خارج از سرزمین‌های فلسطینی و تبدیل رژیم صهیونیستی به ژاندارم منطقه می‌باشد. براساس این طرح، چالشی مهم فراروی جهان اسلام قرار گرفته و نویسنده معتقد است برای ابطال آن راهبرد مقاومت از طرف کشورهای اسلامی بکار گرفته شود و به تقویت هرچه بیشتر گروه‌های جهادی فلسطینی پرداخته شود.

۲-۲. امیر ساجدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان موانع صلح اعراب و اسرائیل به بررسی طرح‌های مختلف از زمان تأسیس کشور اسرائیل تا سال ۲۰۰۳ پرداخته و اظهار

داشته با نادیده گرفتن واقعیت‌های تاریخی ملت فلسطین هیچ‌یک از این طرح‌ها نتوانسته به موفقیت برسد. نویسندگان علت ناکام مانده این طرح‌ها را زیاده‌خواهی دولت‌های مختلف اسرائیلی و عدم تلاش مستمر کشورهای عربی برای ایجاد یک کشور فلسطینی و همچنین منافع قدرت‌های بزرگ در عدم حل این منازعه دانسته است. در این تحقیق همچنین اظهار شده که هر یک از کشورهای عربی بدنبال منافع خود از طرح‌های مختلف ارائه شده بودند و اهمیت چندانی برای مسئله اصلی یعنی ملت فلسطین قائل نبودند. نویسندگان معتقد است که منازعه طولانی و پیچیده فلسطین و اسرائیل زمانی می‌تواند پایان گیرد که نیاز به صلح از طرف تمامی گروه‌های فلسطینی و کشورهای منطقه خاورمیانه احساس شود.

۲-۳. سیدامیر سخاوتیان (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان معامله قرن و بازتاب آن در جهان اسلام اظهار می‌دارد که این اصلاح به تازگی وارد عرصه سیاسی منطقه غرب آسیا گردیده است. در این مقاله آمده به علت جدید بودن این طرح اطلاعات چندانی در دسترس نبوده و لذا نویسنده بناچار از منابع غیر رسمی و برخی منابع خبری و با روش توصیفی-تحلیلی به این موضوع پرداخته است. او اظهار نموده که شناسایی مفاد طرح معامله قرن برای تحلیل دقیق‌تر آن ضروری می‌باشد. چراکه با بررسی مفاد این طرح براحتی می‌توان به نادیده انگاشتن واقعیت‌های تاریخی و قومی-مذهبی ملت فلسطین در این طرح پی برد. او بر این عقیده می‌باشد از آنجائیکه که اکثر کشورهای اسلامی و گروه‌های مقاومت فلسطینی مخالفت صریح و آشکار خود را با طرح امریکایی معامله قرن خیلی سریع‌تر از آنچه انتظار می‌رفت، اعلام نمودند، پس بدین سبب این طرح را می‌باید از ابتدا شکست خورده دانست.

۳. یافته‌های پژوهش

در این بخش به تجزیه و تحلیل مشکلات موجود در منازعه بین فلسطینیان و اسرائیلی‌ها پرداخته می‌شود و برای درک بهتر از علل این منازعه طولانی در خاورمیانه سعی می‌گردد تا به صورت مختصر به برخی از عوامل منازعه بین دو طرف مانند اختلافات

سرزمینی، قومی، تعارضات ایدئولوژیکی و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این منازعه اشاره نمود تا چرایی دست نیافتن به یک صلح پایدار بیشتر روشن گردد.

۳-۱. منازعات سرزمینی: در خاورمیانه هر یک از دو گروه (فلسطینی و یهودی) دارای ادعاهای تاریخی نسبت به سرزمین فلسطین می‌باشند و هر یک بر اساس ادعای تاریخی، این سرزمین را متعلق بخود می‌دانند. حدود ۲۵۰۰ سال ق.م. قبایل بت پرستی به سرزمین فلسطین وارد شدند که بعدها به کنعانیان معروف گشتند. پس از مدتی زمینه فروپاشی کنعانیان فراهم آمد. در قرن دوازدهم ق.م. قومی بنام پولاستی از جزیره کرت به سرزمین فلسطین مهاجرت نمود که این قوم نیز بت پرستی را اختیار نمود و با کنار زدن کنعانیان تسلط خود را بر سرزمین فلسطین ایجاد نمودند. این قوم بعدها به قوم پالاستو، پیلستو و سپس پالستین مشهور گردیدند. بعدها قوم بنی‌اسرائیل به رهبری حضرت موسی (ع) از مصر به سرزمین فلسطین عزیمت نمود و از این زمان فلسطین به تصرف عبری‌ها درآمد و حضرت داوود در سال ۱۰۰۴ ق.م. مملکت اسرائیل را تاسیس و فرمان ساخت معبد هیکل سلیمان را صادر نمود. اما در سال ۷۲۲ ق.م. حکومت قوم بنی اسرائیل بدست سرگون دوم سقوط و سرزمین فلسطین بدست اقوام دیگر مانند آشوری‌ها، کلدانی‌ها، کوروش، اسکندر و پومپوس درآمد. سرانجام سرزمین فلسطین با تولد حضرت مسیح (ع) در بیت‌الحم و سپس شکست شورش قوم یهود در سال ۱۳۵ میلادی (که منجر به پراکنده شدن این قوم در سراسر جهان گردید) و با قدرت گرفتن مسیحیت در سال ۳۱۳ م. در سرزمین فلسطین رسماً مسیحیت اعلام گشت (ساجدی، ۱۳۸۴: الف ۵۲-۴۹). ظهور اسلام در سال ۶۰۹ م. و معراج پیامبر اسلام از بخش شرقی قبه‌الصخره و اولین قبله‌گاه مسلمانان در سرزمین فلسطین باعث گردید تا این سرزمین نه تنها برای یهودیان و مسیحیان بلکه برای مسلمانان از اهمیت خاصی برخوردار گردد (ناصری طاهری، ۱۳۶۷: ۲۷-۹). بر اثر جنگ‌های متعدد بر سر فلسطین این سرزمین بین مسلمانان و مسیحیان دست بدست می‌گردید تا اینکه در سال ۱۲۹۱ م. اعراب مسلمان فلسطینی توانستند سرزمین فلسطین را در اختیار گیرند و سپس با قدرت گرفتن عثمانی‌ها تا سال ۱۹۱۶ م. این سرزمین در اختیار مسلمانان قرار گرفت و یهودیان بصورت اقلیت در کنار فلسطینیان زیست می‌کردند. اما با صدور اعلامیه بالفور از طرف انگلستان

و حمایت امریکا از صهیونیست‌ها نزاع بین فلسطینیان مسلمان و صهیونیست‌های یهودی بالا گرفت و سرانجام سازمان ملل برای پایان دادن به درگیری‌های دو طرف در سال ۱۹۴۷ در مجمع عمومی رأی به تأسیس دو کشور داد (حمیدی، ۱۳۶۹: ۲۴۱).

از آنجایی که این طرح منطبق با شرایط تاریخی و قومی-مذهبی سرزمین فلسطین و حقوق فلسطینیان نبود، این تصمیم مورد قبول اعراب فلسطینی و دیگر مسلمانان کشورهای خاورمیانه واقع نگردید و نزاع بین دو قوم فلسطینی و یهودی نه تنها پایان نیافت بلکه ابعاد آن گسترده‌تر، پیچیده‌تر و تا به امروز جریان دارد (Fawcett, 2005: 36-37).

۲-۳. منازعه قومی: از دید بسیاری از نظریه پردازان اختلافات قومی مهمترین و اصلی ترین عامل منازعه در بیشتر مناطق دنیا محسوب می‌شود. قومیت گرایی یا قائل بودن ارزش بیش از حد برای قوم و گروه خود در مقایسه با سایر گروه‌ها عملاً یک پدیده همگانی است. تفاوت‌های اساسی قومی، نژادی، فرهنگی، مذهبی می‌توانند در شرایطی به دشمنی و احساس تهدید منجر شوند. گرچه با گذشت زمان تعدادی از فرهنگ‌ها دچار دستخوش تغییر شده‌اند اما پایداری نسبی برخی از الگوهای فرهنگی در طول تاریخ نه تنها تغییرات رفتاری را در این اقوام بوجود نیآورده بلکه بر تعصبات افراطی آنها نسبت به فرهنگ‌شان افزوده است. همانگونه که الکساندر ونت اظهار می‌دارد این اقوام ارزش‌ها و ایستارهای خود را اساسی ترین و مهم ترین نهادهای فرهنگی بر می‌شمارد و هیچ تمایلی در تغییر ساختارهای خود نشان نمی‌دهد. از آنجائیکه فلسطینیان مانند هر قوم دیگر سرشتی اجتماعی دارند پس به‌درستی می‌توان گفت رویه-ها، هنجارها، ارزش‌ها، فرهنگ، ایدئولوژی و باورهای اصولی‌شان هستند که به هویت آنها قوام می‌بخشند و نمی‌توانند به‌راحتی از آنها دست بکشند (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۳۹). ناحیه موزائیکی خاورمیانه همواره متأثر از اختلافات و تضادهای قومی بوده و تعدادی از گروه‌های قومی خاورمیانه به‌عنوان بازیگران فراملی، اهمیت بسیاری در سیاست‌های داخلی کشورها و نظام بین‌المللی پیدا کرده‌اند. چراکه اختلافات قومی از درون مرزهای رسمی کشورهای خاورمیانه به خارج از مرزها کشیده شده و حمایت و دخالت قدرت‌های خارج از منطقه را بدنبال آورده است. برای نمونه دولت صهیونیستی اسرائیل خود را از نژاد و قوم برتر یهود با فرهنگی متفاوت با فرهنگ اسلامی می‌داند و

همچنین احساس نزدیکی زیادی با مسیحیان دست راستی ایالات متحده امریکا دارد. این قوم، با این شعار که از زمان تأسیس کشور اسرائیل، توسط اقوام متخاصم عرب در ناحیه خاورمیانه تحت محاصره قرار دارد، همواره سعی نموده تا یک قدرت فرمانطقه‌ای را در حمایت از خود به ناحیه بکشاند (Covarrubias & Lansford, 2007: 123-137).

۳-۳. تعارضات ایدئولوژیکی: اکثر منازعات صورت گرفته در دنیا بیشتر بدلیل تضاد ایدئولوژیکی بوده است. ایدئولوژی امروزه در اکثر مناطق جهان بخصوص در ناحیه خاورمیانه مهمترین نقش را در جنگ‌ها ایفا می‌نماید. برخی از نظریه پردازان اظهار می‌دارند که تضاد ایدئولوژیکی هم‌تراز با قدرت ویرانگر تسلیحات نظامی می‌باشد. تاثیر تضاد ایدئولوژیکی از زمان پایان گرفتن جنگ جهانی دوم تا پایان جنگ سرد بصورت صریح و روشن نشان داد که تا چه اندازه این تضاد ایدئولوژیکی بین دو ابر قدرت جهانی محور اصلی روابط بین‌الملل را شکل داده بود (Held, 2006: 236-237). خاورمیانه از این امر مستثنی نبوده و امروزه تضاد ایدئولوژیکی در بین کشورهای ناحیه بیشترین نقش را در منازعات منطقه‌ای ایفا می‌کند. نقش مذهب و ایدئولوژی در ساخت هویت ملت‌های خاورمیانه بنیادی است. چنانچه گیدنز اظهار می‌دارد مسئله هویت بعضاً مهمتر از نیاز مادی انسان‌ها می‌باشد (حشمتی، ۱۳۹۸: ۳۷). تضاد ایدئولوژیکی بین فلسطین و اسرائیل مهمترین عامل در عدم دسترسی به یک صلح پایدار در ناحیه خاورمیانه می‌باشد. برای نمونه در ایدئولوژی دو گروه فلسطینی حماس و جهاد اسلامی آمده که کل سرزمین فلسطین جزء موقوفه اسلامی بوده و طبق فرامین الهی نمی‌توان حتی یک وجب از آن را به دیگری بخشید (ملا ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۱۵۰). در نقطه مقابل صهیونیست‌ها معتقدند که طبق آئین یهود تمامی سرزمین موعود (نیل تا فرات) متعلق به یهودیان می‌باشد که این نوع توسعه‌طلبی سرزمینی را در خود دارد. در حقیقت تعارضات ایدئولوژیکی موانع سختی در برابر راه حل‌های منازعات ایجاد می‌کند. چراکه مسائل ایدئولوژیکی اجازه استفاده از ملاحظات عقلانی را محدود می‌نماید (شاهاک، ۱۳۷۶: ۴۹-۴۴).

تضاد ایدئولوژیکی بین اعراب و اسرائیل مهم‌ترین عامل جلوگیری از صلح بشمار می‌آید. یکی از مهمترین دلایل روابط استراتژیک امریکا با اسرائیل را نیز باید در کانتکس روابط نزدیک ایدئولوژی بین دو کشور دید (Lesch, 2007; 221).

۴. طرح‌های صلح فلسطین و اسرائیل

از زمان تشکیل کشور اسرائیل (۱۵ می ۱۹۴۸) جنگ‌های متعددی بین اعراب و اسرائیل صورت گرفته و قطعنامه‌ها و طرح‌های صلح متعددی از طرف سازمان ملل و برخی دولت‌ها برای پایان دادن به منازعه فلسطین و اعراب ارائه گردیده است (Ovendale, 1999: 270-289). برای این منظور قطعنامه‌های شورای امنیت (۱۹۴، ۲۴۲، ۳۳۸ و ۳۳۹) و یا طرح‌هایی چون طرح ملک حسین، طرح شیمون پرز، قرارداد کمپ دیوید، طرح صلح کارتر، طرح ۱۹۷۹ جمهوری اسلامی ایران، طرح ملک فهد، طرح صلح ریگان، طرح صلح کنفرانس فاس، طرح هفت ماده‌ای ساف، صلح مادرید، نقشه راه، خاورمیانه بزرگ و بسیاری از طرح‌های دیگر ارائه گردید که هیچکدام منجر به حل منازعه فلسطین و اسرائیل نگردید و کماکان این نزاع لاینحل باقی مانده است (ساجدی، ۱۳۸۷: ۱۴۹-۱۲۵). عوامل زیادی در شکست و به سرانجام نرسیدن این طرح‌های صلح دخیل هستند. نقش و منافع قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شرکت کننده در فرایند صلح، در نظر گرفتن منافع حداکثری یکطرف و حداقلی طرف دیگر و در نظر نگرفتن واقعیت‌های قومی، فرهنگی، تاریخی سرزمین فلسطین و نادیده گرفتن حق بازگشت فلسطینیان به موطن‌شان، که حقوق بین‌الملل نیز آن را برسمیت شناخته، برخی از عوامل مهمی هستند که تحقق صلحی عادلانه و پایدار را در منطقه ناممکن ساخته‌اند (باباجی و دیگران، ۱۳۸۲: ۵۴-۴۸). به عبارتی صلح بین فلسطین و اسرائیل مستلزم حل و فصل راهبردی، ارضی، براساس اصول ایدئولوژی و تصحیح برداشت‌های متفاوت طرفین است (کیسینجر، ۱۳۸۳: ۲۷۰-۲۶۹). یک پرسش مهمی که اینجا می‌تواند مطرح شود این است که اگر اسرائیل بر اساس ایدئولوژی صهیونیستی در هیچ‌یک از این طرح‌ها حاضر به دادن امتیازات ضروری به فلسطینیان مسلمان نمی‌باشد، پس چرا از متحد استراتژیک خود هر از گاهی می‌خواهد طرحی دیگر را برای صلح بین اسرائیل و

فلسطین اعلام نماید؟ جوابی که برای این پرسش می‌توان متصور شد این است که اسرائیل بدنبال ایجاد امنیت بیشتر برای خود می‌باشد و برای رسیدن به این هدف با کمک آمریکا و ارائه اینچنین طرح‌هایی زمان بیشتری را خریداری می‌کند تا با گذشت زمان یعنی با سیاست دفع‌الوقت بتدریج از خواسته‌های طرف مقابل کاسته تا فلسطینیان به حداقل امتیازات راضی گردند.

۵. طرح معامله قرن

برای پایان دادن به هفتاد سال منازعه بین فلسطین و اسرائیل بار دیگر دولتمردان آمریکا درصدد برآمدند تا طرحی را برای این منظور ارائه نمایند. از آنجائیکه آمریکا دارای نفوذ زیادی در اسرائیل و بیشتر کشورهای عربی خاورمیانه می‌باشد، افکار عمومی ملل جهان از هر دولتی که در آمریکا بر سرکار آید، این انتظار را دارد تا طرح صلحی را برای پایان دادن به درگیرهای فلسطین-اسرائیل ارائه دهد مانند نقشه راه که توسط جرج دبلیو بوش در سال ۲۰۰۲ ارائه گردید (Neff, 2002: 107-167). بنابراین دستگاه سیاست خارجی دولت جدید در آمریکا همانند اسلاف خود در راستای منافع استراتژیک آمریکا در ناحیه خاورمیانه می‌باید برای حمایت از اسرائیل بار دیگر یک طرح جدیدی برای ایجاد صلح اعلام می‌کرد. با آمدن دونالد ترامپ به صحنه قدرت و قرار گرفتن در مسند ریاست جمهوری آمریکا و گسترش تظاهرات ضد صهیونیستی از طرف فلسطینیان، او همانند پیشینیان خود خواستار اجرای طرحی برای پایان دادن به منازعه فلسطین و اسرائیل گردید و این مهم را به داماد خود جارد کوشنر واگذار نمود.

او پس از بررسی‌های اولیه اظهار نمود طرحی را که ارائه می‌دهد می‌تواند خواسته‌های طرفین را برآورده کند و برای تحقق آن کشورهای زیادی باید به حمایت از این طرح بپردازند. او طرح خود را «معامله قرن» نام نهاد و برای مدت زیادی در خصوص جزئیات آن هیچگونه اشاره و صحبتی ننمود. حدس و گمان‌های زیادی در مورد این طرح از سوی دولت‌های مختلف عربی و غیر عربی ناحیه خاورمیانه و همچنین گروه‌های عربی فلسطینی زده می‌شد. سرانجام در ۲ خرداد ۱۳۹۸ در شهر منامه یک نشست برای اعلام این طرح صورت گرفت که تعداد زیادی از دولت‌ها و نمایندگان کشورهای

عربی و همچنین برخی از نمایندگان کشورهای غیر عرب در آن شرکت نمودند. در این کنفرانس بود که کوشنر پرده از روی این طرح برداشت. اما در اندک مدتی از اعلام آن، با وجود اینکه این طرح بیشتر در خصوص مسائل اقتصادی بحث و هنوز مسائل دیگر آن بطور کامل اعلام نگشته بود، بسیاری از گروه‌های فلسطینی و کشورهای عرب و غیر عرب، طرح را محکوم به شکست دانستند و از آن استقبال نکردند (تابناک: ۱۳۹۸). برای ختنی نمودن و یا کاهش انتقادات نسبت به طرح معامله قرن، کوشنر سعی نمود تا نشان دهد که این معامله قرن نیست بلکه فرصت قرن است و با این طرح بهبود شرایط اقتصادی فلسطینیان ایجاد خواهد شد و سپس مسائل سیاسی مربوطه دنبال خواهد گردید. اما این سخنان نیز نتوانست استقبالی برای طرح او بوجود آورد چراکه هدف از این طرح نه یک صلح عادلانه براساس واقعیت‌های قومی-سرزمینی بلکه به رسمیت شناختن مناطق اشغال شده در طی جنگ‌های مختلف اعراب - اسرائیل و مشروعیت بخشیدن به شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری و ایجاد یک نظم جدید منطقه‌ای با رهبریت اسرائیل تلقی گردید (Nabulsi, 2019: 5-7). برای فهم و درک نظرات منفی اکثر بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای نسبت به طرح، به برخی از جزئیات این طرح پرداخته و نقاط ضعف و احتمالاً قوت آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۵. جزئیات طرح معامله قرن: طرح معامله قرن که در عربی صفقة القرن نامیده شده در تاریخ ۴ و ۵ تیرماه ۱۳۹۸ در شهر منامه اعلام و به برخی از جزئیات آن اشاره گردید. گرچه در این کنفرانس بیشتر به مسائل اقتصادی طرح اشاره گردید ولی خیلی زود بعد از اتمام کنفرانس مسائل دیگر طرح تقریباً افشاء گردید. یک رسانه عبری زبان (اسپوتنیک) با استناد به سند درز یافته از وزارت خارجه رژیم صهیونیستی، جزئیات بیشتر معامله قرن را فاش نمود و مشخص گردید که این طرح همانند طرح‌های گذشته عوامل تاریخی-سرزمینی و قومی-مذهبی را نادیده گرفته است. برای درک بیشتر از ناکارآمد بودن آن به برخی از جزئیات معامله قرن می‌پردازیم:

۱-۱-۵. توافقنامه سه جانبه‌ای میان دولت اسرائیل، سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) و جنبش حماس امضاء خواهد شد که طبق آن کشور فلسطین تحت عنوان "فلسطین جدید" در اراضی کرانه باختری و نوار غزه تشکیل می‌شود و شهرک‌های این

مناطق نیز به اسرائیل داده خواهند شد. در این طرح انتقال مالکیت محله‌ها و نواحی نزدیک به قدس مانند «بیت حنینا»، «شعفاط»، «کفر عقب» و «راس خمیس» به تشکیلات خودگردان فلسطین داده می‌شود. اما شهرک قدیمی و محله‌های اطراف قدس همچون «سلوان»، «الشیخ جراح» و «جبل الزیتون» را برای اسرائیل باقی می‌گذارد.

۲-۱-۵. کانون‌های شهرک‌سازی کماکان تحت تسلط اسرائیل باقی خواهند ماند و شهرک‌های جدا افتاده نیز به آنها ملحق خواهند شد و مساحت کانون‌های شهرک‌ها تا رسیدن به شهرک‌های جدا افتاده گسترش می‌یابد.

۳-۱-۵. طبق این سند بیت‌المقدس (قدس) تقسیم نخواهد شد و میان حکومت اسرائیل (رژیم صهیونیستی) و کشور فلسطین جدید بصورت مشترک باقی می‌ماند. در ضمن یک معبر نیز برای فلسطینیان جهت تردد به مسجدالاقصی در نظر گرفته خواهد شد.

۴-۱-۵. شهرداری قدس زیر نظر رژیم صهیونیستی اسرائیل خواهد بود و این رژیم مسئول تمام اراضی قدس به استثنای بخش آموزش خواهد شد. چراکه بخش آموزش به عهده "فلسطین جدید" است و فلسطین جدید باید به شهرداری قدس مالیات ویژه مربوط به املاک و آب پرداخت کند. طبق این بند، به یهودیان و اعراب مسلمان نیز اجازه داده نخواهد شد که خانه همدیگر را خریداری کنند و مناطق اضافی به قدس ملحق نخواهند شد تا اماکن مقدس به همین شکل امروزی خود باقی بمانند.

۵-۱-۵. مصر با هدف ایجاد تعدادی کارخانه، فرودگاه و اماکن برای مبادلات تجاری و کشاورزی اراضی را به فلسطین می‌دهد اما به فلسطینیان اجازه داده نخواهد شد تا در این اراضی ساکن و مالکیت آن‌را دارا شوند. یک اتوبان بین غزه و کرانه باختری نیز احداث خواهد شد.

۶-۱-۵. کشورهای تأیید کننده این طرح (آمریکا، اتحادیه اروپا، و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس) می‌باید برای اجرایی شدن این توافقنامه، حمایت‌های مالی و اقتصادی لازم را انجام دهند.

۷-۱-۵. درصد مشارکت میان کشورهای حامی اینگونه خواهد بود، ایالات متحده امریکا ۲۰٪، اتحادیه اروپا ۱۰٪ و کشورهای تولیدکننده نفت حوزه خلیج فارس ۷۰٪. ۸-۱-۵. در این طرح به فلسطین جدید اجازه داده نخواهد شد که ارتش و تجهیزات نظامی قوی در اختیار داشته باشد و تنها سلاحی که می‌تواند داشته باشد سلاح پلیس است.

۹-۱-۵. برای دفاع از فلسطین جدید توافقنامه‌ای بین اسرائیل و فلسطین امضاء خواهد شد که طبق آن اسرائیل از فلسطین جدید در مقابل هرگونه تجاوز خارجی دفاع می‌کند. اما این دفاع مشروط به پرداخت هزینه آن به اسرائیل بوده و میزان مبلغ پرداختی در مذاکره بین اسرائیل و کشورهای عرب میانه‌رو به عنوان هزینه حفاظت (از فلسطین جدید) بعداً مشخص خواهد شد.

۱۰-۱-۵. در یک جدول زمانی و مراحل اجرای این توافقنامه اینگونه خواهد بود:

الف- حماس به طور کامل خلع سلاح شده و تسلیحات آن به مصر تحویل داده خواهد شد. ب- مرزهای نوار غزه برای تجارت جهانی از طریق گذرگاه‌های اسرائیلی و مصری باز و راه ارتباطی غزه با کرانه باختری گشوده و همچنین این اقدام از طریق دریا نیز انجام می‌شود.

ت- یک سال پس از امضای توافق، انتخابات دموکراتیک در کشور فلسطین جدید برگزار می‌شود و هر شهروند فلسطینی می‌تواند برای این انتخابات کاندید شود. ث- یک سال پس از برگزاری انتخابات، تمامی اسیران بصورت تدریجی و کلاً در مدت سه سال باید آزاد شوند.

ج- در طول مدت پنج سال، بنادر دریایی و فرودگاه‌های ضروری برای فلسطین جدید احداث خواهد شد و تا آن زمان، فلسطینی‌ها از فرودگاه‌ها و بنادر اسرائیل استفاده خواهند کرد.

چ- مرزهای میان فلسطین جدید و اسرائیل برای عبور و مرور شهروندان و کالاها باز خواهند ماند.

ح- یک پل معلق با ارتفاع ۳۰ متر از سطح زمین احداث و کرانه باختری و نوار غزه را بهم وصل می‌کند و ماموریت احداث آن به شرکتی از چین داده می‌شود.

خ - منطقه غور اردن - وادی اردن همانند امروز در دست اسرائیل باقی خواهد ماند (ایسنا: ۱۳۹۸).

به علاوه در طرح معامله قرن پیشنهادهایی نیز برای پایان دادن به مشکل آوارگان فلسطین ارائه داد. در این طرح برای فلسطینیان آواره حق بازگشتی وجود نخواهد داشت (Abu Saada, 2018: 10). ولی برای بهبود وضعیت آنها به کشورهای پذیرا مبالغی داده خواهد شد تا جهت رفاه بیشتر آنها اقداماتی صورت گیرد. برای رفاه بیشتر اقتصادی مردم فلسطین در طرح معامله قرن ضمیمه‌هایی وجود دارد، مانند ایجاد یک منطقه صنعتی در غرب فلسطین و اتصال آن از طریق پل ارتباطی که در آینده بین مصر و عربستان سعودی ایجاد خواهد شد. در حقیقت قبل از اعلام طرح معامله قرن در سال ۲۰۱۷ در محافل داخلی مصر طرحی با عنوان منطقه صنعتی سینا مطرح شده بود که بیشتر در راستای این طرح قرار می‌گیرد. این طرح حکایت از آن داشت که قرار است منطقه‌ای در صحرای سینا نزدیک به نوار غزه به عنوان منطقه صنعتی به وجود آید. این منطقه شامل زمینی با وسعت زیاد خواهد بود که بتواند صنایع بزرگ مختلفی در آن ایجاد شود. در این منطقه صنعتی، یک منطقه آزاد وسیع بوجود خواهد آمد که امارات عربی متحده و عربستان سعودی با سرمایه‌گذاری در آن می‌تواند آن را به بزرگترین منطقه آزاد صنعتی در غرب آسیا تبدیل کنند. به علاوه در کنار این منطقه صنعتی مجتمع‌های مسکونی برای کارگران ساخته خواهد شد تا بتواند در آنها اقامت گزینند. گرچه هدف این طرح برای کاهش نرخ بیکاری جمعیت فلسطینی در نوار غزه اعلام شده ولی بر این اساس یعنی با صنعتی کردن غرب فلسطین و بخشی از صحرای سینا می‌توان انتظار داشت که بخشی از جمعیت فلسطینیان را نیز از نوار غزه به این منطقه بکشاند (اسپوتنیک: ۲۰۱۹).

۲-۵. واکنش فلسطینیان به طرح معامله قرن: برخی از منابع خبری اظهار نمودند که در طرح معامله قرن شهر ابودیس به جای بیت‌المقدس به عنوان پایتخت فلسطین در نظر گرفته خواهد شد. همچنین طبق این طرح فلسطینیان باید از حق بازگشت به سرزمین خود که در قطعنامه ۱۹۴ شورای امنیت سازمان ملل به رسمیت شناخت شده، صرف نظر کرده و این مطالبه بر حق را بدست فراموشی بسپارند. تا به امروز بسیاری از صاحب

نظران اظهار داشته‌اند که با نادیده نگاشتن واقعیت‌های تاریخی، قومی-مذهبی سرزمین فلسطینیان نمی‌توان به یک صلح عادلانه دست یافت (Chomsky, 2003: 77). برای این اساس است که رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، محمود عباس (ابومازن) در کرانه باختری، که چندی پیش نیز از انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس بسیار ناراحت و خشمگین و روابط حکومتش با آمریکا تیره گشته بود، اعلام نمود که این طرح یعنی معامله قرن دونالد ترامپ یک مشت محکمی به قرن کنونی است و هیچ منافعی برای ملت فلسطین دربر ندارد و ملت فلسطین هرگز آن‌را نخواهند پذیرفت (Gardner: 2018). حدت و شدت مخالفت محمود عباس به اندازه‌ای بود که او به صراحت اعلام نمود که از این پس او دیگر در روند گفتگوهای صلح خاورمیانه و یا هرگونه طرح صلح پیشنهادی از طرف دولت ترامپ شرکت نخواهد کرد. او همچنین اعلام نمود حتی با برقراری روابط دیپلماتیک برخی از کشورهای عربی (امارات عربی متحده و بحرین) با اسرائیل و ایجاد مانع در برابر کشورها از طرف دولت آمریکا برای دادن وام به دولت خود مختار فلسطین، این تشکیلات هرگز در طرح معامله قرن که الحاق کرانه باختری در آن نهفته است شرکت نخواهد کرد (عباس: ۲۰۲۰). صائب عریقات دبیرکل کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین نیز در سخنانی برقراری روابط بحرین با اسرائیل که در راستای معامله قرن صورت گرفته را محکوم و اقدام آل خلیفه در امضای توافقنامه سازش با رژیم صهیونیستی را خیانتی در حق فلسطینیان دانست (عریقات: ۱۳۹۹).

دفتر سیاسی حماس نیز اعلام نمود که ما مخالفت قاطع خود را با آنچه که معامله قرن نامیده می‌شود، اعلام می‌داریم و بر ادامه «تظاهرات بازگشت» تا تحقق اهداف آن تأکید می‌کنیم. حماس همچنین اعلام نمود که سرزمین فلسطین یک موقوفه اسلامی است و هیچ طرحی نمی‌تواند بخشی از سرزمین اسلامی فلسطین را به دیگری ببخشد. به‌علاوه رهبر حماس اظهار داشت که حق مشروع ملت فلسطین مسلمان است تا با توسل به انواع مبارزه مشروع به نابودی اشغالگران پرداخته و تا رسیدن به اهداف ملی ثابت خود از پای ننشیند. او هر گونه تلاش رسمی و غیررسمی عربی و غیر عربی برای عادی سازی روابط با رژیم غاصب صهیونیستی را سرزنش و اظهار داشت که سرنوشت

معامله قرن مانند دیگر طرح‌های امریکایی در برابر اراده ملت فلسطین محکوم به شکست دانست (حماس: ۱۳۹۸).

شیخ عکره صبری خطیب مسجد الاقصی در خطبه‌های نماز جمعه درباره طرح آمریکا برای فلسطین موسوم به معامله قرن و موافقت برخی از رژیم‌های عربی و کشورهای اسلامی با این طرح اینگونه هشدار داد آن دسته از کسانی که اظهار نظرهای سیاسی درباره معامله قرن می‌کنند می‌باید خطرات آنرا درک کنند. از جمله این خطرات خط خوردن شهر قدس از هرگونه مذاکرات در آینده است. او همچنین حق بازگشت آوارگان فلسطینی را حق قانونی ذکر کرد و اظهار داشت به هیچ وجه از آن کوتاه نخواهیم آمد. او در ادامه سخنرانی خود افزود که قدس پایتخت فلسطین خواهد بود و هیچ طرح جایگزینی برای آن وجود نخواهد داشت. در یک نظر سنجی که از طرف مؤسسه جی‌ام سی صورت گرفت، بیش از ۸۰٪ فلسطینیان ساکن کرانه باختری و نوار غزه با این طرح مخالفت و تنها حدود ۷٪ با آن اعلام موافقت کرده‌اند (صبری: ۱۳۹۸).

۳-۵. واکنش‌های بین‌المللی به طرح: واکنش‌های متعددی از سوی برخی از دولت‌های عربی و غیر عربی نسبت به این طرح ابراز گردید که ما به برخی از آنها اشاره مختصری خواهیم داشت.

الف- واکنش روسیه: وزارت امور خارجه روسیه ضمن مخالفت با طرح معامله قرن دولت ترامپ در بیانیه‌ای اعلام داشت حتی رهبری فلسطین (ساف) از شرکت در این طرح امریکایی خودداری و اعلام کرده است که سازمان آزادیبخش فلسطین حق انحصاری خود برای تصمیم‌گیری درباره مسائل ملت فلسطین و تحقق آرمان مردم فلسطین را به هیچکس واگذار نمی‌کند. در ادامه بیانیه آمده روسیه با مردود شمردن اینگونه طرح‌ها بر پابندی به سیاست‌های اصولی خود برای عدول نکردن از اصول قانونی و بین‌المللی حل و فصل مسائل خاورمیانه از جمله قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد تاکید دارد. همچنین در بخش دیگر بیانیه آورده شده که تلاش برای رسیدن به یک راه حل سیاسی جامع با بسته کمک‌های اقتصادی آمریکا و زیرپا گذاشتن اصل ایجاد دو حکومت مستقل برای دو کشور موجب نگرانی شدید

جامعه ملل گردیده و برای رسیدن به یک راه حل پایدار نیاز به تلاش گروهی کشورها جهت برقراری مذاکرات بین فلسطین و اسرائیل و عدم تحمیل معامله‌های یکجانبه منفعت جویانه می‌باشد (تابناک: ۱۳۹۸). دولت پوتین در همراهی با مخالفان طرح معامله قرن با قرار گرفتن در کنار دیگر کشورهای عربی و غیر عربی ناحیه خاورمیانه، مخالفت خود را صریحاً با این طرح اعلام کرد.

ب- واکنش اروپا: بسیاری از دولت‌های اروپایی اظهار داشتند که هرگونه صلحی که بر اساس معیارهای بین‌المللی نباشد، به موفقیت نخواهد انجامید (Makdisi, 2018: 18). هشت کشور اروپایی (فرانسه، آلمان، انگلیس، بلژیک، سوئد، ایتالیا، هلند و لهستان) در یک بیانیه مشترک اظهار داشتند که چنانچه صلح بر اساس قوانین بین‌المللی و بر اساس مرزهای ۱۹۶۷ (که از راهکار تشکیل دو کشور حمایت می‌کند) نباشد، محکوم به شکست خواهد بود.

این کشورها بر پایبندی به معیارهای بین‌المللی تأکید و تنها راه پایان دادن به درگیری بین فلسطین و اسرائیل را برقراری صلح عادلانه و دائمی بر اساس تصمیمات بین‌المللی دانستند (آوا: ۱۳۹۸).

پ- اردن: پادشاه اردن یکی از کشورهایی است که نسبت به طرح معامله قرن نگاه مثبتی ندارد. چراکه حدود نیمی از جمعیت اردن را آوارگان فلسطینی تشکیل می‌دهند. در معامله قرن اشاره شده به دو طرح زیربنایی در اردن؛ یعنی تغییر پایتخت اردن به امان جدید که توانایی پذیرایی چند میلیون جمعیت را داشته باشد و احیای بحرالमित (دریای مرده) و تبدیل آن به یک قطب بزرگ گردشگری که منافع مالی زیادی برای اردن دربر خواهد داشت. در این دو طرح مسلماً جمعیت زیادی از فلسطینیان کرانه باختری به امان جدید و منطقه گردشگری بحرالमित سرازیر خواهند شد و این به معنی کاهش فلسطینیان در کرانه باختری و بیت‌المقدس و افزایش جمعیت فلسطینیان در اردن می‌باشد. دولت اردن با نگرانی زیاد به این طرح نگرسته و خوب می‌داند که با آمدن این جمعیت فلسطینی در اردن، اردنی‌ها در اقلیت محض قرار خواهند گرفت و امکان از دست رفتن قدرت پادشاه اردن و قدرت یافتن فلسطینیان در اردن بسیار محتمل خواهد بود.

ت- مصر: دولت مصر که متهم به قبول و پذیرش برخی از بخش‌های معامله قرن شده بود، توسط رئیس پارلمان مصر «شره علی عبدالله» اعلام نمود که هیچ ارتباطی میان دادن اعطای تابعیت مصر در برابر سرمایه‌گذاری و طرح امریکایی موسوم به معامله قرن وجود ندارد. او اضافه نمود که بر اساس قانون مصر و همانند بسیاری از دیگر کشورها هدف از اعطای تابعیت جذب سرمایه‌گذاری است. به علاوه او اظهار داشت که مرزهای کشور مصر مشخص و هیچ تغییری در آن بوجود نخواهد آمد (علی عبدالله: ۱۳۹۸).

ث- ایران: نظام جمهوری اسلامی ایران یکی از مخالفان جدی طرح «معامله قرن» و تلاش برای اجرای آن توسط آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای عربی مرتجع را شدیداً محکوم نمود. رهبر نظام جمهوری اسلامی ایران بصورت روشن و صریح قبل از اعلام طرح توسط کوشنر مخالفت خود را با طرح معامله قرن ابراز داشت. او همچنین این مسأله را موضوعی خیانت‌بار دانست و اظهار داشت که هرگز جا نخواهد افتاد و محقق نیز نخواهد شد. ایشان راهپیمایی روز قدس سال ۱۳۹۹ را بسیار مهم و معامله قرن را از کارهای خیانت‌بار دولت ایالات متحده و برخی از دولت‌های دنباله‌رو آمریکا در منطقه دانست و اعلام نمود که دولت ترامپ و دنباله‌روهایش حتماً در این قضیه هم شکست خواهند خورد. رهبر نظام همچنان اظهار نمود «این دولت‌ها فرق‌شان با دولت‌های گذشته‌ها در این است که حالا صریحاً می‌گویند که می‌خواهیم مسأله‌ی فلسطین را از مسائل مطرح دنیا کأن لم یکن و حذف کنیم که البته چنین کاری را نمی‌تواند انجام دهند و مسلماً در این امر ناکام خواهند ماند» (رهبر انقلاب: ۱۳۹۸). در حمایت از سخنان رهبر جمهوری اسلامی ایران در اجلاس قم با رهبریت عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرین در مردود شمردن معامله قرن اظهار داشت که با این طرح بخشی از فلسطینیان به سینا و بخشی دیگر به اردن باید انتقال داده شوند که این مورد قبول مسلمانان فلسطینی و دیگر جوامع مسلمان جهان نخواهد بود. چرا که با این طرح داشتن یک دولت مستقل فلسطینی در کرانه باختری و نوار غزه در سرزمین‌های ۱۹۴۸ و یا ۱۹۶۷ دیگر کاملاً کنار گذاشته می‌شود. سید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان نیز پیشتر خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های علیه ایران را نشانه‌هایی از مقدمه چینی توسط امریکایی‌ها

برای اجرای طرح معامله قرن دانسته و نسبت به آن اظهار بدبینی کرد. او همچنین اعلام داشت این طرح در راستای انتقال سفارت امریکا به بیت المقدس است.

نتیجه‌گیری

منزاعه فلسطین با اسرائیل با بیش از هفتاد سال طولانی‌ترین منازعه‌ای است که در ناحیه خاورمیانه وجود دارد و تا به امروز یک نتیجه قابل قبولی برای طرفین حاصل نشده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که علل و عوامل زیادی در طولانی شدن منازعه فلسطین و اسرائیل دخیل بوده که مهمترین آنها تعداد زیاد بازیگران خارجی است که منجر به تکامل و پیچیده‌تر شدن این اختلاف شده است. از آنجائیکه اکثر بازیگرانی که در این منازعه قدم گذاشته‌اند، بیشتر در راستای منافع خودشان بوده و نتیجتاً با حرکت و اعمالشان نگرانیهای جدیدی را به ساختار و روند منازعه افزوده‌اند. بدین سبب است که منازعه فلسطین و اسرائیل به یکی از طولانی‌ترین و پیچیده‌ترین منازعه خاورمیانه‌ای تبدیل گشته است. می‌توان گفت زمانیکه منافع ملی یک بازیگر در یک اختلاف منطقه‌ای با منافع منطقه‌ای و بین‌المللی یک کشور نافذ خارجی متجانس شود و در موازات آن قرار گیرد، زمینه‌های تطویل منازعه را فراهم می‌آورد. در منازعه فلسطین و اسرائیل نقش قدرتهای بزرگ در ایجاد آن حتی قبل از تشکیل کشور اسرائیل کاملاً مشهود است. تلافی منافع یک کشور منطقه‌ای مانند اسرائیل با یک قدرت بزرگ فرامنطقه‌ای (امریکا) باعث گردیده تا قدرت بزرگ یکی از طرفین منازعه را متحد خود قلمداد کند و حمایت از آن را در راستای منافع خود تعریف نماید. روابط ایالات متحده آمریکا و اسرائیل و حمایت آشکار آمریکا از رژیم صهیونیستی اسرائیل از آغاز تاسیس آن تا به امروز بوضوح نشان می‌دهد که دو کشور متحد استراتژیک یکدیگرند (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۲۳-۵۱). در راستای تقویت این اتحاد استراتژیکی است که گروه‌های لابی صهیونیستی همواره از روابط ایدئولوژیک نزدیک با مسیحیان دست راستی امریکا سخن گفته و همچنین سعی می‌نمایند تا در ساختار تبلیغاتی، اقتصادی و حتی نظامی امریکا از نفوذ چشمگیری برخوردار باشند. در نقطه مقابل، نفوذ دولت ایالات متحده در اسرائیل و در



بیشتر کشورهای عربی خاورمیانه باعث گردیده تا آمریکا بیش از سایر بازیگران مهم بین‌المللی مبادرت به ارائه طرح صلح برای پایان دادن به منازعه طرفین نماید.

طرح صلح معامله قرن جدیدترین طرح صلحی است که از طرف ایالات متحده برای ایجاد یک صلح پایدار بین فلسطین و اسرائیل ارائه شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد از آنجائیکه واقعیت‌های سرزمینی و فرهنگی - قومی ملت فلسطین در آن لحاظ نگردیده، واکنش‌های منفی و تندی از طرف مسئولین فلسطینی و دولت‌های مختلف در نظام بین‌الملل نسبت به این طرح اعلام گشت. تجربه‌های کسب شده از طرح‌های ارائه شده در طول زمان و انرژی زیادی که صرف آنها شده ولی همچنان به سرانجام نرسیدن آنها، همگی نشان دهنده این واقعیت‌اند که هر طرح صلحی باید از طرف دولت‌های بی‌طرف در منازعه و با در نظر گرفتن واقعیت‌های تاریخی، قومی-مذهبی، سرزمینی و فرهنگی برای ایجاد یک صلح پایدار صورت گیرد. ارائه طرحی که نمایندگان گروه‌های فلسطینی در آن شرکت نکنند و یا با پرداخت مبلغی پول آنهم از جیب ملت‌های مسلمان منطقه و با نادیده گرفتن حق بازگشت فلسطینیان به موطن‌شان، نمی‌تواند یک طرح صلح واقعی تلقی گردد. اینگونه طرح‌ها که واقعیت‌ها را انکار و شرایط تاریخی-اجتماعی و قومی-مذهبی فلسطینیان را بخواهند بدست فراموشی بسپارند، هرگز به موفقیت نمی‌انجامند و در افکار فلسطینیان و ملت‌های مسلمان این طرح‌ها از پیش شکست خورده‌اند. دولت ترامپ خوب می‌داند که مجموعه طرح‌های اعلام شده در گذشته و طرح کنونی (معامله قرن) نه بر اساس واقعیت‌های موجود فلسطینیان مانند مسائل تاریخی، هنجارها، ارزش‌ها، فرهنگ، ایدئولوژی، باورهای اصولی و ایده‌های بنیادی که به هویت آنها قوام بخشیده‌اند بلکه در جهت حمایت از متحد استراتژیکی خود یعنی اسرائیل بوده و معامله قرن بیشتر برای دولت او جنبه تبلیغاتی داشت. در واقع طرح معامله قرن از سوی ترامپ نه برای ایجاد یک صلح پایدار در ناحیه خاورمیانه بلکه بیشتر در راستای بهره برداری تبلیغاتی از آن در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در نظر گرفته شده بود.

با شکست ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا و پیروزی جو بایدن که با شهرک سازی دولت بنیامین نتانیاهو هم نظر نمی‌باشد، طرح معامله قرن بیشتر از قبل در وضعیت افول قرار گرفت.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۶۹)، **ریشه‌های بحران در خاورمیانه**، تهران: موسسه کیهان.
- باباجی، رمضان؛ شمیلیه ژاندرو، مونیک و دولا پرادل، ژرو (۱۳۸۲)، **حق بازگشت فلسطینیان و اصول تحقق آن**، ترجمه محمد مقدس، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۷۲)، **نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل**، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، **منافع استراتژیک مشترک و اتحاد آمریکا-اسرائیل**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸)، **چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حشمتی، امیر؛ رضایی، علیرضا و ترابی، قاسم (۱۳۹۸)، «تاثیر ناامنی هویت ملی بر گسترش نئوتروریسم در خاورمیانه با تأکید بر کشور عراق»، **فصلنامه علمی سیاست جهانی**، دوره هشتم، شماره ۴، پیاپی ۳۰، صص ۶۰-۳۱.
- ساجدی، امیر (۱۳۸۴)، «تحولات اعراب و اسرائیل و نیاز منطقه به صلح»، **مجله دانشکده علوم اداری و اقتصادی**، ویژه‌نامه حقوق و علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۲، صص ۵۲-۴۹.
- ساجدی، امیر (۱۳۸۷)، «موانع صلح اعراب و اسرائیل»، **فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل**، سال دوم، شماره اول، صص ۱۴۹-۱۲۵.
- سرخاوتیان، سیدامیر (۱۳۹۷)، «معامله قرن و باتاب آن در جهان اسلام»، **مجله اندیشه تقریب**، شماره ۳۶، صص ۷۲-۳۹.

شاهاک، اسرائیل (۱۳۷۶)، **تاریخ یهود-مذهب یهود**، بار سنگین سه هزاره، ترجمه مجید شریف، تهران: چاپخش.

صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۸)، **مدیریت منازعات قومی در ایران**، تهران: موسسه انتشاراتی گُمیل.

قاسمیان، علی (۱۳۹۸)، "ترامپ، طرح معامله قرن و چالش‌های فراروی جهان اسلام"، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، دوره ۱۲، شماره ۴۵، صص ۸۱-۱۰۰.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، «سازهانگاری به‌عنوان فرانظریه روابط بین‌الملل»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۶۵ (۱۱۶)، صص ۱۴۳-۱۱۳.

ملا ابراهیمی، عزت (۱۳۸۲)، **فرهنگ معاصر فلسطین، شخصیت‌ها و جنبش‌ها**، تهران: اندیشه سازان نور.

کیسینجر، هنری (۱۳۸۳)، **دیپلماسی امریکا در قرن ۲۱**، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، چاپ دوم، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۶۷)، **بیت المقدس شهر پیامبران**، تهران: سروش.
 هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، «سازهانگاری از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۱۷، شماره ۴، صص ۱۷۱-۱۵۹.

Abu Saada, Mohammad (2018), "The Deal of Century: Dimensions and Paths", **Egyptian Institute for Studies**, Istanbul, pp.1-17.

Chomsky, Noam (2003), **Middle East Illusions, Peace, Security and Terror**, New Delhi: Chaman Press.

Coser, a. Lewis (1965), **The Functions of Social Conflict**, New York: The Free Press.

Covarrubias, Jack & Lansford, Tom (2007), **Strategic Interests in the Middle East, Opposition or Support for US Foreign Policy**, Burlington: Ashgate.

Fawcett, Louise (2005), **International Relations of the Middle East**, New York: Oxford University Press.

Haas, Michael (1974), **International Conflict**, New York: Bobbs-Merrill.

Held, C. Colbert (2006), **Middle East Patterns, Places, Peoples, and Politics**, Fourth edition, Colorado: Westview Press.

Lesch, W. David (2007), **The Middle East and The United states, A Historical and Political Reassessment**, Fourth Edition, Colorado: Westview Press.

- Makdisi, Karim (2018), "Palestine and Arab Israel Conflict 100 Years of Regional Relevance and International Failure", **Middle East and North Africa regional Architecture**, Menara working paper, No. 27, pp.1-25.
- Nabulsi, Karma (2019), "Trump's Deal of the Century", **The Middle East London**, Vol.15, pp. 5-17.
- Neff, Donald (2002), **Fallen Pillars, U.S. Policies towards Palestine and Israel since 1945**, Washington, D.C.
- Ovendale, Ritchie (1999), **The Origins of the Arab-Israeli Wars**, Third addition, London: Longman.

منابع اینترنتی

- تابناک: معامله قرن. بر گرفته شده از
[https://www.tabnak.ir/fa/tagss/88822/1398/04/18\(A\)](https://www.tabnak.ir/fa/tagss/88822/1398/04/18(A)),
 اسپوتنیک: افشای جزئیات کامل معامله قرن امریکا. بر گرفته شده از
<https://www.ir.sputniknews.com/politics/20190584734012/08.05.2019>
 حماس: معامله قرن در برابر اراده ملت فلسطین شکست خواهد خورد. بر گرفته شده از
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/04/16/2048930,۱۳۹۸/۰۴/۱۶>
 آوا: هشدار اروپا درباره طرح معامله قرن امریکا. بر گرفته شده از
<https://www.avapress.com/fa/news/176274,۱۳۹۸/۰۴/۲۳>
 شره علی عبدالله، چیزی به نام معامله قرن وجود ندارد. بر گرفته شده از
<https://www.parsine.com/fa/news/541284/۱۳۹۸/۰۴/۱۷>
 David Gardner: Trump's 'deal of the century' offers nothing good to Palestinians, at
<https://www.ft.com/content/40d77344-b04a-11e8-8d14-6f049d06439c/01/07/2019>
 ایرنا: بیانیه روسیه در واکنش به برگزاری کنفرانس منامه درباره معامله قرن. بر گرفته شده
 از <https://www.khabaronline.ir/news/1265263/> ۱۳۹۸/۰۳/۰۹
 گزارش گروه بین‌الملل: معامله قرن چیست؟ اخراج فلسطینیان از فلسطین. بر گرفته
 شده از
<https://www.isna.ir/news/96111508830/۱۳۹۸/۰۴/۱۸>
 واکنش رهبر انقلاب به برگزاری کنفرانس آمریکایی معامله قرن در بحرین. بر گرفته شده
 از
<https://www.yjc.ir/fa/news/6994402/۱۳۹۸/۰۴/۱۱>

رهبر انقلاب: طرح آمریکایی، عبری و عربی برای نابودی فلسطی؛ چرا رهبری راهپیمایی امسال روز قدس را مهم‌تر از گذشته خواند؟ «معامله قرن» چیست و چه هدفی را دنبال می‌کند؟ بر گرفته شده از

[https://www.tabnak.ir/fa/news/902479/۱۳۹۸/۰۴/۰۹\(B\)](https://www.tabnak.ir/fa/news/902479/۱۳۹۸/۰۴/۰۹(B))

محمود عباس: فلسطینی‌ها بر اساس معامله قرن آمریکا در مذاکرات شرکت نخواهند کرد. بر گرفته شده از

<https://www.shahrehabar.com/political/159916242008135/04/09/2020>

صائب عرفات: توافق بحرین با اسرائیل به معنای پذیرش رسمی «معامله قرن» است. بر گرفته شده از

<https://www.mehrnews.com/news/5022048/22/06/1399>

۲۳۰



سیاست جهانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی